

اسلام دين كامل است

تأليف:

الشيخ محمد الأمين الشنقيطى

ترجمه:

دکتر ابوعاصم عبدالأحد تخارى

عنوان کتاب: اسلام دین کامل است
نویسنده: الشیخ محمد الامین الشنقیطی
مترجم: دکتر ابوعاصم عبدالأحد تخاری
موضوع: مجموعه عقاید اسلامی
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
فهرست مطالب

۳	مقدمه مترجم
۶	مقدمه مؤلف
۷	اسلام دین کامل است
۹	مسئله اول: توحید
۹	اول: توحید ربوبیت:
۱۱	نوع دوم: توحید الوهیت و یا توحید عبادت
۱۲	نوع سوم: توحید اسماء و صفات الله ﷻ
۱۳	مسئله دوم: وعظ
۱۵	هدف از آفرینش مخلوقات
۱۷	مسئله سوم: فرق میان عمل نیک و غیر آن
	مسئله چهارم: حاکم گردانیدن غیر شریعت اسلامی: [حکم و فیصله کردن به غیر
۲۰	شریعت اسلامی]
۲۳	مسئله پنجم: احوال جامعه
۲۸	مسئله ششم: مسئله اقتصاد
۲۹	مسئله هفتم: سیاست
۲۹	اما امور سیاست خارجی بر دو اصل و اساس استوار است:
۳۱	و اما سیاست داخلی: به نکات ذیل خلاصه می شود:
۳۴	مسئله هشتم: سیطره کفار بر مسلمانان
۳۵	مسئله نهم: ناتوانی مسلمانان در مقابله با کفار از لحاظ تعداد و آلات جنگی

مسئله دهم: مشکل اختلاف دلها..... ۴۰

خلاصه این بحث ۴۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه مترجم

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان إلا على الظالمين، والصلاة والسلام على خاتم النبيين، وعلى آله وأصحابه أجمعين، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين وبعد:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: ۱۹]. ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۸۵].

«همانا دین پسندیده نزد پروردگار دین اسلام است.» «و هر که غیر از اسلام دین دیگری طلب کند هرگز از وی پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زیانکاران است.»

مبارزه میان حق و باطل از زمان قدیم ادامه دارد، تمام ادیان، مذاهب کفری و الحادی و نهادهای ضد اسلام همیشه سعی بلیغ نمودند تا سد راه گسترش و پیشروی اسلام گردند، و همیشه بر علیه اسلام عزیز توطئه، تبلیغات، و دسیسه‌جویی می‌کنند تا اسلام را در نظر جهانیان بخصوص آن عده جوانانی که جدیداً به اسلام مشرف می‌شوند بد و زشت نشان دهند.

جهان مسیحیت امروز از گسترش اسلام در غرب در هراس‌اند، بدین سبب می‌خواهند به هر نحوی که باشد اسلام را بد نام سازند، گاهی می‌گویند اسلام منحصر به مسجد است؛ و در نظام سیاسی، طرز حکومت داری و اقتصادی مردم هیچگونه دخالتی ندارد، و پاسخ گوی مشکلات و نیازهای مردم نیست. و گاهی هم می‌گویند که [العیاذ بالله] اسلام دین ترورستی و دهشت‌افگنی است. ولی اسلام دین کامل، فراگیرنده، و جواب‌گوی تمام نیازها و مشکلات بشریت چه در دنیا و چه در آخرت و رحمت برای جهانیان است. چنانکه الله متعال می‌فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ

عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا... ﴿[المائدة: ۳].

«امروز کامل کردم برای شما دین تانرا و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را (بعنوان) دین پسندیده برای شما».

و همچنین می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٧﴾ [الأنبياء: ۱۰۷].

«و نفرستادیم ترا (ای پیامبر ﷺ) مگر رحمت برای جهانیان».

و اگر اسلام دین کامل، شامل و جواب‌گوی تمام نیازها و مشکلات مردم نمی‌بود هرگز الله تعالی آنرا تا قیام قیامت برای بشریت بعنوان یک دستور کامل و قانون کلی معرفی نمی‌کرد.

و هرچه کافران بخاطر نبود ساختن دین اسلام سعی کنند هرگز کامیاب نخواهند شد؛ زیرا که الله تعالی حفاظت آنرا به عهده گرفته است که او را بر تمام ادیان غالب خواهد کرد، چنانکه می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿١﴾ [الصف: ۹].

«اوست آن ذاتی که فرستاد پیامبر خود را با هدایت و دین راست تا غالب کند او را بر همه ادیان اگرچه مشرکان ناخوش شوند».

و ما در عصری زندگی می‌کنیم که از هر طرف تهاجم و حملات وحشیانه، توطئه و تبلیغات سوء علیه اسلام صورت می‌گیرد با اشکال گوناگون بعنوان کمک، همکاری و بازسازی با استفاده از ضعف و ناآگاهی مردم مشغول فعالیت‌اند، بناءً بنده احساس مسؤولیت نموده خواستم تا در جهت نشر و تبلیغ دین مبین اسلام سهم گرفته و برای امت اسلامی و خصوصاً به برادران که به زبان فارسی آشنایی دارند خدمتی تقدیم کرده باشم.

رساله که اکنون به دسترس شما خواننده‌گان گرامی قرار دارد ترجمه کتاب «الاسلام دین کامل» تألیف دانشمند بزرگ و شخصیت معروف و برجسته جهان اسلام (علامه

شیخ محمد امین بن محمد مختار شنقیطی (رحمته الله علیه) می‌باشد، و شیخ تألیفات زیادی دارد که معروف‌ترین آنها:

۱- تفسیر أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن

۲- مذکرة فی أصول الفقه علی روضة الناظر.

۳- آداب البحث والمناظرة

۴- الإسلام دین کامل و غیره اند.

و رساله ترجمه شده گرچه بظاهر کوچک ولی در واقع پر محتوی و مشتمل بر اصول و قواعد کلیه اسلام است. بناءً خواستم تا آنرا به فارسی دری ترجمه کرده خدمت خوانندگان محترم تقدیم نمایم.

یقیناً کار ترجمه از یک زبان به زبان دیگر کار دشواری است چونکه این کتاب اولین ترجمه بنده می‌باشد. لهذا از عموم خوانندگان گرامی تقاضا دارم که اگر در اثنای مطالعه سهو و خطایی در ترجمه یا در مسایل علمی و یا در طباعت بنظر بخورد از باب نصیحت و خیر خواهی به اصلاح آن کوشیده بنده را آگاه ساخته از همکاری‌شان دریغ نورزند. و در پایان از دانشمند جوان محترم قریب الله (مطیع) سپاس گذارم که با وجود مصروفیت‌های زیادشان در تصحیح و مراجعه ترجمه این کتاب از هیچگونه همکاری دریغ نورزیدند، بناءً از الله بزرگ و با عظمت برای‌شان اجر بزرگی را خواهانم. و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و أصحابه اجمعین.

ابوعاصم عبدالأحد بن محمد تخاری

۱۳۸۶/۸/۱۷ هـ ش — ۱۴۲۸/۱۰/۱ هـ ق

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبينا محمد وعلى آله وصحبه ومن دعا
بدعوته إلى يوم الدين. أما بعد:

این رساله کوچک که در دسترس شما قرار دارد در واقع درسی است که به
درخواست پادشاه دولت المغرب در مسجد نبوی ﷺ بیان و ارائه نمودم. سپس برخی از
برادران بخاطر چاپ و نشر آن از من خواستند تا آنرا در رشته تحریر در آورم، پس به
ندای آنها لبیک گفته بیانیه مذکور را در رشته تحریر در آوردم، و از الله بزرگ امیدوارم که
من و تمام مسلمانها را از این سخنان بهره‌مند گرداند «آمین».

اسلام دین کامل است

الله ﷻ می فرماید: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳].

«امروز دیتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم.»

وقت نزول این آیت:

این آیه در حجة الوداع شامگاه روز عرفه (روز جمعه) در عرفات بر پیامبر ﷺ نازل گردید. ایشان بعد از نزول آیت فوق ۸۱ شب در قید حیات باقی ماندند.^۱

توضیح چند مطلب:

۱- الله متعال در آیه مذکور توضیح داده است که دین را تکمیل نموده و هرگز از آن چیزی را کم نمی کند، و نه به اضافه و افزایشی احتیاج دارد، ازین جهت الله متعال سلسله پیامبران را به فرستادن پیامبر ما محمد مصطفی ﷺ خاتمه بخشید.

۲- و همچنین الله متعال در آیه مذکور بیان نموده است که اسلام را بعنوان دین پسندیده برای ما اختیار نموده، و از آن رضایت و خشنودی خود را اظهار داشته است. و با صراحت تام بیان داشته که بجز دین اسلام هیچ دین و آیینی را از هیچ کسی قبول نخواهد کرد؛ در مورد این مطلب الله متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۸۵].

«و کسی که غیر از اسلام دینی دیگری را برگزیند از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیانکاران است.»

۱- بخاری کتاب ایمان حدیث شماره [۴۵] و صحیح مسلم کتاب التفسیر حدیث شماره [۳۰۱۷]

و همچنین نزد الله متعال فرموده: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: ۱۹]. «یقیناً دین پسندیده نزد الله متعال همانا اسلام است».

۳- تمام سعادت و نعمت‌های دارین (دنیا و آخرت) را با تکمیل نمودن دین و بیان جمله احکام آن بر ما آرزانی نموده است.

بنابر این، الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ «نعمت خود را بر شما تمام کردم». پس این آیت دلیل صریح و واضح است که دین اسلام هر آن چیزی که انسان‌ها در دنیا و آخرت به آن نیاز دارند بطور درست و کامل بیان نموده، و هیچ چیزی از آنرا وا نگذاشته است، ما ذیلاً برای وضاحت این موضوع ده مسئله بزرگ و عمده را بطور مثال و نمونه بیان می‌کنیم که مدار همه امور دنیوی و اخروی که جهانیان به آن نیاز دارند می‌باشد.

این مسائل عبارت اند از:

- ۱- توحید.
- ۲- وعظ.
- ۳- فرق میان عمل نیک و غیر آن.
- ۴- حکم کردن به غیر شریعت اسلامی.
- ۵- احوال توده‌ها در جامعه اسلامی.
- ۶- اقتصاد.
- ۷- سیاست.
- ۸- مشکلات سیطره کفار بر مسلمان‌ها.
- ۹- مشکلات ضعف و ناتوانی مسلمان‌ها در مبارزه علیه کفار از لحاظ تعداد و آلات جنگی.
- ۱۰- مشکلات اختلاف دل‌ها و افکار میان افراد جامعه اسلامی.

اکنون می‌خواهم حل و علاج هر یک از این مشکلات را که قرآن کریم بیان نموده واضح نمائیم، ولی در آغاز به چند مسأله مهم اشاره می‌کنیم:

مسئله اول: توحید

با تحقیق و بررسی از آیات قرآن کریم برمی‌آید که توحید بر سه نوع است:

اول: توحید ربوبیت^۱

یعنی یکتا و یگانه دانستن خداوند در آفرینش، اقرار و اعتراف به این نوع توحید در فطرت و سرشت خردمندان نهاده شده است [مشرکان هم به این نوع توحید اقرار داشتند] چنان‌که الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ﴾ [الزخرف: ۸۷].

«اگر از آنها سؤال کنی چه کسی ایشان را آفریده است؟ یقیناً می‌گویند: الله [آفریده است].»

و همچنین می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ [یونس: ۳۱].

«بگو: چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد، یا کیست که مالک گوش و چشم‌ها باشد، یا چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ یا چه کسی امور (کاینات) را می‌گرداند؟ پس خواهند گفت که آن الله متعال است، پس بگو آیا نمی‌ترسید؟»

اما انکار کردن فرعون و امثال آن از توحید ربوبیت از روی ضد و عناد و تجاهل بود. [درحالی‌که آنان در دل‌هایشان کاملاً یقین و باور بر آن داشتند].

چنان‌که الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا﴾ [النمل: ۱۴].

۱- توحید ربوبیت عبارت است از توحید در افعال خدا ﷻ یعنی اعتقاد و باور داشتن به اینکه الله متعال آفریننده همه مخلوقات است، و اوست که تمام امور کائنات را تدبیر و تنظیم می‌کند، و نظام هستی را می‌چرخاند، و او تعالی روزی دهنده هر جنبنده و زنده جان است، و هیچ کسی در پادشاهی با او تعالی شریک نیست، و از هر قسم کمبود و کوتاهی و عیب پاک و منزّه است (مترجم).

«و انکار کردند [معجزه‌ها را] از روی ستمگاری و تکبر، درحالی‌که دل‌هایشان به آن یقین داشت.»

و نیز می‌فرماید: ﴿قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا أَنْزَلَ هَٰؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَآئِرٍ﴾ [الإسراء: ۱۰۲].

«گفت [موسی به فرعون] به تحقیق تو دانسته‌ای که نفرستاده است این نشانه‌ها و معجزه‌ها و دلائل روشن و واضح را مگر پروردگار آسمان‌ها و زمین.»

ازین جهت قرآن کریم این نوع توحید (توحید ربوبیت) را بصیغه استفهام انکاری بیان نموده است.

چنانکه الله ﷻ می‌فرماید: ﴿أَفِي اللَّهِ شَكٌّ﴾ [ابراهیم: ۱۰] «آیا در مورد وجود الله متعال شک و تردیدی است؟».

و نیز می‌فرماید: ﴿قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ آبِئِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾ [الأنعام: ۱۶۴]. «بگو: آیا [سزاوار است] پروردگاری جز الله متعال طلب کنم، و حال آنکه او پروردگار همه چیز است.»
اما اقرار مشرکان به این نوع توحید برای‌شان سودی نبخشید [و آنها را در صف مسلمان‌ها داخل نساخت] زیرا آنها الله ﷻ را به یکتائی عبادت و پرستش نکردند [بلکه در عبادت‌شان برای الله هم‌تا و شریک مقرر کردند، یعنی بعضی انواع عبادت مثل دعاء، طلب شفاعت، نذر، ذبح و غیره را برای غیر خدا تخصیص داده بودند].

چنانکه الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ [یوسف: ۱۰۵].

«و ایمان نمی‌آورند اکثر آنان به الله مگر اینکه آنان [به نوعی] مشرکانند.»

و نیز می‌فرماید: ﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ [الزمر: ۲].

«ما آنان را پرستش نمی‌کنیم مگر بدان خاطر که ما را به الله نزدیک گردانند.»

و همچنین الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُونَ هَٰؤُلَاءِ شَفَعْنَا عِنْدَ اللَّهِ فَلَئِنَّمَا

لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ﴾ [یونس: ۱۸]

«و می‌گویند: (این‌ها میانجی‌های ما در نزد الله‌اند، بگو آیا الله را خبر می‌دهید از وجود چیزهای [بنام بتان و انبازها] که خداوند در آسمان‌ها و زمین سراغی از آنها ندارد».

نوع دوم: توحید الوهیت و یا توحید عبادت

و این همان توحیدی است که بغرض اثبات و تبلیغ آن پیامبران مبعوث گردیده‌اند؛ و در مورد این توحید در میان پیامبران و امت‌هایشان نبردها و جنگ‌ها صورت گرفت، ثمره و نتیجه این توحید همانا متحقق و ثابت شدن معنی و مقصود: «لا إله إلا الله» است، [معنای لا إله إلا الله] بر دو اساس استوار است که همانا نفی و اثبات است.

- ۱- معنی «لا إله» نفی تمام انواع عبادت از معبودهای غیر خدا را در بر دارد.
- ۲- و معنی «إلا الله» یکتا و یگانه دانستن الله ﷻ در تمام انواع عبادت بگونه‌ای که خود خداوند آنرا مشروع قرار داده است می‌باشد.

و اکثر آیات قرآن کریم در مورد همین نوع توحید نازل شده است. چنانکه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶].
«و یقیناً در هر امتی پیامبری را فرستادیم که عبادت کنید الله را (به یکتائی) و دوری کنید از بتان».

و نیز ﷻ می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ [الأنبياء: ۲۵].

«هیچ پیامبری پیش از تو نفرستادیم مگر آنکه به او وحی می‌کردیم که هیچ معبودی بر حقی غیر از من نیست، پس مرا پرستش کنید».

و همچنین ﷻ می‌فرماید: ﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۵۶].

«پس هر که منکر طاغوت شود (معبودان باطل) و ایمان آورد به الله پس یقیناً چنگ زده است بدست آویز محکم که آنرا گسستن نیست، و الله شنوای دانا است».

نوع سوم: توحید اسماء و صفات الله ﷻ

این نوع توحید نیز بر دو اصل و اساس استوار است، طوری که الله ﷻ خودش بیان نموده است.

اول: پاک و منزّه دانستن الله ﷻ از مشابّهت مخلوقات.

دوم: ایمان داشتن و یقین کردن به تمام نام‌ها و صفاتی که الله متعال برای ذات خودش ثابت کرده و یا پیامبرش او را توصیف نموده است، به نحوی که شایسته کمال و عظمت اوست.

و هویدا است که هیچ کسی الله ﷻ را بهتر از خودش توصیف کرده نمی‌تواند، و هم چنین - بعد از الله متعال - کسی بهتر از پیامبر ﷺ نمی‌تواند خدا را توصیف کند.

خداوند متعال در مورد ذات خودش می‌فرماید: ﴿قُلْ أَعْلَمُ أَمَ اللَّهُ﴾ [البقرة: ۱۴].

«آیا شما بهتر می‌دانید یا الله؟». و از شأن رسولش خبر داده می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۳-۴]. «از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید، آن نیست (قرآن) مگر وحی، که بسوی او فرستاده می‌شود».

همچنان الله متعال در آیه ذیل مماثلت یا شبیه و همانند بودن را از خود نفی کرده چنین می‌فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾ [الشوری: ۱۱].

«هیچ چیزی شبیه و همانند الله نیست». و برای ذات خویش اثبات صفات را بطور حقیقت بیان نموده می‌فرماید: ﴿وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱]. «و او شنوا و دانا است». پس جزء اول آیت به عدم تعطیل و تحریف در اسماء و صفات خداوند متعال حکم می‌کند [و جزء دوم آیت به اثبات اسماء و صفات او تعالی دلالت می‌کند]. پس از آیه که بالا ذکر شد واضح و هویدا می‌گردد که اثبات اسماء و صفات خداوند، حقیقتاً بدون تمثیل [مثل و همانند ثابت کردن برای الله] و نفی کردن مماثلت [مخلوق با خدا] بدون تعطیل - واجب و ضروری است.

همچنان در قرآن کریم الله ﷻ بیان نموده است که مخلوقات از احاطه و دانستن ذات و صفات او تعالی عاجز هستند، چنانکه می فرماید: ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا﴾ [طه: ۱۱۰].

«آنچه را پیش روی آدمیان است- از امر قیامت- و آنچه را پس از آنان است- از امر دنیا- می داند، حال آنکه آنان به او احاطه عملی ندارند».

مسئله دوم: وعظ

[پند دادن و نصیحت کردن] همه علماء بر این مسئله اتفاق نظر دارند که الله ﷻ هیچ واعظ، مراقب و نکوهش دهنده فرود نفرستاده است که بهتر و بزرگ تر از موعظه علم، و معرفت و دانستن اینکه خداوند ﷻ مراقب احوال بندگان است باشد. به این معنی که شخص مسلمان در هر حال و شرائطی الله ﷻ را بر گفتار و کردار خود ناظر و مراقب بداند!

و یقین نماید که الله ﷻ بر همه کارهای آشکار و پنهان او آگاه است، و همه انسانها زیر نظارت او تعالی قرار دارند.

۱- «الله را طوری پرستش کن که گویا تو او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی پس یقین داشته باشی که او ترا می بیند». و در این مورد از بعض صالحین چند مصرع اشعار هم نقل شده است:

إذا ما خلوت الدهر يوماً فلا تقل خلوت ولكن قل على رقيب
ولا تحسبن الله يغفل ساعة ولا أن ما تخفى عليه رقيب
ألم تر أن اليوم أسرع ذاهب وأن غداً للناظرين قريب
«چون اگر تو احياناً خلوت و تنهائی را اختیار کنی پس مگو که من تنها شدم و لکن بگو که بر من مراقب و ناظری وجود دارد».

«والله متعال را برای یک لحظه هم غافل و بی خبر مپندار، و نه آنچه که تو از وی پنهان می کنی پوشیده می ماند».

«آیا نمی بینی که روزگار چطور به شتاب می گزرد، و یقیناً فردا برای نظاره کننده گان قریب است».

برای توضیح بیشتر این مسئله و نزدیک ساختن آن به اذهان خوانندگان، علماء ضرب المثل را ذکر کرده‌اند که در روشنی آن امور غیر محسوس به مرتبه محسوس قرار می‌گیرد، مثلاً یک پادشاه خون آشام، مستبد، و ستم‌گر، که شمشیرش از خون انسان‌ها رنگین، و از تمامی امکانات برخوردار باشد، و در عین وقت زن و دخترهایش در نزدش حضور داشته باشند، آیا ممکن است کسی از حاضرین در موجودیت وی به حریم و دخترهایش دست درازی کند، و یا بسوی آنها نگاهی بد کند؟ طبعاً نه خیر، بلکه همه حاضرین را خوف و هراس در آغوش کشیده و چشمان‌شان از ترس به زمین فرو می‌افتد، آرزوی همه این می‌باشد که از اذیت و عقوبت پادشاه ظالم جان به سلامت برده و محفوظ بمانند.

[شرح این مطلب] ﴿وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى﴾ «برای الله مثال‌های خوب و اعلی ثابت است». یقیناً او خدای که علم، آگاهی، هیبت و پادشاهی حقیقی‌اش تمام جهان و جهانیان را فراگیر می‌باشد، و گرفت و انتقامش سخت‌تر و قوی‌تر از آن پادشاه است [بلکه باید از انصاف کار بگیریم زیرا در حقیقت میان قدرت الله ﷻ و پادشاهان مجازی روی زمین هیچ مقایسه و مناسبتی وجود ندارد] پس پروردگاری که دارای چنین اوصاف با شکوه و با عظمت باشد سزاوارتر است که همیشه او را پرستش و از او هراس داشته باشیم.

مثال دوم: اگر اهالی یک شهر و یا منطقه بدانند که امیر آن شهر و یا منطقه از تمام کردار و گفتار خورد و بزرگ آنها در شب و روز آگاهی پیدا می‌کند یقیناً همه مردم شب روز را در خوف و هراس سپری می‌کنند، و از تمام مخالفت‌های قانونی و اعمال زشت دست بردار خواهند شد.

[پس آن خدایی که از تمام ذره‌های روی زمین و ماهیان عمق دریا و مورهای داخل زمین آگاهی دارد و می‌بیند، چرا انسان‌ها بویژه ما مسلمان‌ها از معصیت و نافرمانی الله ﷻ دست نکشیم و اطاعت و خداترسی را در تمام امور زندگی مان پیشه قرار ندهیم!].

هدف از آفرینش مخلوقات

الله ﷻ در قرآن کریم بیان نموده است که هدف از آفرینش مخلوقات همانا امتحان و آزمایش آنها است، چنانکه می فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ [هود: ۷].

«و اوست آن ذاتیکه آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و عرش [خداوند] بر آب قرار داشت [و این آفرینش بزرگ شگفت را بدین خاطر ساخت] تا شما را بیازماید که کدام یک از شما عمل نیکوتر می کند».

و همچنین می فرماید: ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ﴾ [الملك: ۲].

«و همان ذات (الله) مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که عمل کدامتان بهتر و نیکوتر است و او غالب و آمرزگار است».

[الله متعال در آیه فوق اهمیت و ارزش والای عمل صالح و شایسته را بیان نموده است] ازین جهت فرمود: «أَيُّكُمْ أَكْثَرُ عَمَلًا» یعنی عمل کدام یک از شما بیشتر است بلکه فرمود: ﴿أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ یعنی عمل کدام یک از شما بهتر و نیکوتر است.

و این دو آیه، مراد و مقصد این قول الله ﷻ را توضیح می دهد: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

«و نیافریده‌ام جن و انس را مگر برای اینکه مرا پرستند».

و چون حکمت از آفرینش انسانها و جنها آزمایش و امتحان بود جبریل علیه السلام به امر خداوند خواست تا طریق کامیابی را برای مردم بیان کند که چگونه در امتحان کامیاب شوند.

باری جبریل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد [و جلوشان نشست] سپس در ضمن سوالاتش از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: مرا از [مرتبته] احسان خبر ده؟ یعنی از آن چیزی که مخلوقات بخاطر

آزمایش و امتحان در مورد آن آفریده شده‌اند. پیامبر ﷺ برای جبریل پاسخ داده فرمودند: «هُوَ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»^۱.

«خداوند را طوری عبادت کنی که گویا تو او را می بینی، اگر تو او را نمی بینی پس یقین داشته باش که او تعالی ترا می بیند».

بدین سبب هیچ صفحه از قرآن را نمی بینید مگر اینکه [نمونه] این واعظ بزرگی [قلبی] را در می یابید. چنانکه الله ﷻ می فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تَوْسُوْسًا بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ [ق: ۱۶]. و ﴿مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ [ق: ۱۸].

«به راستی ما انسان را آفریده‌ایم و چیزی را که نفسش به او وسوسه می کند می دانیم، و ما از (شاه) رگ گردن به او نزدیک‌تریم * هیچ سخنی را به زبان در نمی آورد مگر این که او نگهبان حاضر و ناظری است (دو فرشته نگهبان)»^۲.

و همچنین فرمود: ﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ [یونس: ۶۱]. «و نمی باشی (ای پیامبر) در هیچ شغلی و نمی خوانی هیچ آیه از قرآن را که از سوی باری تعالی آمده و شما (ای مؤمنان) هیچ عملی نمی کنید مگر اینکه ما بر شما گواهییم آنگاه که بدان مبادرت می ورزید، و هم وزن ذره، نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نیست، و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر چیزی نیست، مگر اینکه در کتاب روشن (لوح محفوظ) نوشته شده است (پس چگونه از او پنهان می ماند؟!))».

و نیز خداوند متعال می فرماید: ﴿أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينًا يَسْتَعْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُمْ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [هود: ۵].

۱- متفق علیه کتاب الإیمان از ابی هریره ؓ.

۲- یعنی (کراما کاتبین).

«آگاه باش - کافران - سینه‌های خود را - از پیامبر - می‌پيچند^۱، تا از او پنهان شوند، آگاه باش آنگاه که آنها جامه‌های‌شان را بر سر می‌کشند، می‌داند [که خداوند] آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند - هیچ سودی نمی‌برند - چرا که او دانای راز سینه‌هاست».

و همچون آیات [حاضر و ناظر بودن الله ﷻ بر همه اعمال و حرکات انسان] در همه مواضع قرآن کریم آمده است.

مسئله سوم: فرق میان عمل نیک و غیر آن

بدون شک قرآن کریم عمل نیک [و شروط قبولیت آنرا] بیان نموده است. عمل نیک و صالح آنست که در آن سه امور [و شروط] موجود باشد، و هرگاه یکی آن مختل و مفقود گردد پس آن عمل برای صاحبش در روز قیامت هیچ فایده نمی‌رساند.

شروط قبول عمل و عبادت:

شرط اول: عمل بنده باید باسنت ﷺ موافق باشد^۲.

۱- یعنی روی بر می‌گردانند.

۲- بخاری در کتاب الصلح [۲۶۹۷] و مسلم در کتاب الأفضیة [۱۷۱۸] به روایت عائشه رضی الله عنها آورده است که نبی کریم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «مَنْ أَحَدَثَ فِي أَمْرِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ». «کسی که در دین ما چیزی ایجاد کند که در دین ما نباشد - پس آن چیز نو پیدا - مردود و باطل است». و در روایتی نزد مسلم آمده است: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا؛ فَهُوَ رَدٌّ». یعنی «کسی که کاری را انجام دهد که بر آن [جواز و مشروعیت] امر و فرمان ما نباشد پس - آن عمل - مردود است».

فائده: این دو حدیث بر این دلالت دارد که هر چیز نو پیدا در دین گمراهی بوده و مردود می‌باشد یعنی بدعت و نوآوری در عبادات و اعتقادات حرام و ناجائز است. و کسی که بدعت را به بدعت حسنه و سیئه تقسیم می‌کند به خطا رفته و به این فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله مخالفت کرده است «كُلُّ بَدْعَةٍ ضَالَّةٌ» یعنی «هر بدعت و چیز نو پیدا در دین گمراهی است». زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله همه انواع بدعت‌ها را گمراهی شمرده است، درحالی‌که چنین شخصی می‌گوید: همه بدعت‌ها گمراهی نیست بلکه بعضی انواع آن مستحسن و خوب است. نگاه: کتاب التوحید از شیخ صالح الفوزان.

توجه: بیشتر کسانی که به اعمال بدعتی و رواج‌های خلاف شریعت مبتلا هستند به ذات و ماهیت آن عمل نگاه می‌کنند، و چون عقل ایشان در ظاهر، آن عمل را مستحسن و خوب جلوه می‌دهد پس آنرا کار ثواب

زیرا خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الحشر: ۷].

«و هر چه پیامبر به شما بدهد آنرا بگیرید و هر چه شما را از آن منع کند پس از آن بازایستید و از الله بترسید بی‌گمان خداوند عقوبت سختی دارد».

و نیز الله ﷻ می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۱].

«بگو [ای پیامبر] اگر شما الله را دوست می‌دارید پس از من پیروی کنید تا الله تعالی شما را دوست بدارد و گناهان‌تان را ببخشد، و خداوند آمرزندهٔ مهربان است».

و نیز الله ﷻ می‌فرماید: ﴿لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ﴾ [الشوری: ۲۱].

«یا مگر برای آنان (کافران) شریکانی است که برایشان آنچه را خداوند بدان اجازه نداده - از دین - مقرر کرده‌اند».

و همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ ءَاَللَّهِ اِذْنَ لَكُمْ اَمَّ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ﴾ [یونس: ۵۹].
«بگو: [ای پیامبر] آیا الله تعالی به شما اجازه داده است [که کارهای خلاف شریعت می‌کنید] یا این که بر الله دروغ می‌بندید».

شرط دوم: هر عملی که انسان [در دائره عبادت] انجام می‌دهد باید خالص برای رضا و خشنودی الله متعال باشد، طوری که الله ﷻ خودش می‌فرماید: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ [البینة: ۵].

می‌پندارند؛ و غور و فکر نمی‌کنند که آیا این عمل از پیامبر ﷺ و یا صحابه کرام ثابت است یا نه؟ این حقیقت را باید دانست که هر عملی بخاطر ثواب انجام داده می‌شود باید از پیامبر ﷺ و صحابه کرام ثابت باشد در غیر آن، بدعت و گمراهی است. باید در نظر داشت اینکه در تحسین و تقبیح اعمال [یعنی کاری را خوب و بد پنداشتن] صرف عقل کفایت نمی‌کند؛ زیرا عبادات و اعمالی که بر آن ثواب مرتب می‌شود، توقیفی است و اثبات امور توقیفی به دلیل نقلی نیاز دارد، نه به تحسین عقل و مزاج انسان‌ها «مترجم».

«و دستور داده نشده‌اند آنها مگر اینکه الله را پرستش کنند در حالی که دین را برای او خالص گردانیده و حنفا باشند - فقط به دین اسلام مایل باشند-».

و همچنین می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ﴿١٤﴾ فَأَعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ ﴿﴾ [الزمر: ۱۱-۱۵].

«بگو (ای محمد) همانا به من فرمان داده شده که الله را - در حالی که دین را برای او خالص ساخته‌ام - پرستم و به من دستور داده شده است که نخستین مسلمانان «منقاد به اوامر الله متعال» باشم. بگو (ای محمد) اگر من از اوامر پروردگارم سرکشی کنم از عذاب روز بزرگ [قیامت] می‌ترسم، بگو: الله را می‌پرستم در حالی که دینم را برای او خالص می‌گردانم، اما شما هر چه و هر که را می‌خواهید غیر از الله عبادت کنید».

شرط سوم: عمل باید مبتنی و استوار بر عقیده صحیح باشد، زیرا عمل بمنزله سقف، و عقیده بمنزله پایه و ستون است، چنانکه الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿١١٢﴾﴾ [طه: ۱۱۲].

«و هر کس کارهای شایسته کند در حالی که مؤمن باشد پس وی نه از ستمی می‌ترسد و نه از نقصانی». خداوند متعال در آیات مذکور برای قبولیت عمل انسان، ایمان [عقیده صحیح] را شرط قرار داده‌است، اما در مورد غیر مؤمن [کافر] می‌فرماید: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا ﴿٢٣﴾﴾ [الفرقان: ۲۳].

«و به هرگونه کاری که کرده‌اند می‌پردازیم سپس آن‌را - مانند ذره‌ها و غبار پراکنده ساختیم. [یعنی ایشان را از اجر و پاداش آن محروم می‌کنیم، چرا که نداشتن ایمان موجب محو و نابودی احسان و بی‌اعتبار شدن اعمال خوب انسان می‌گردد]».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلُّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾﴾ [هود: ۱۶].

«آنان کسانی‌اند که در آخرت جز آتش دوزخ بهره و سهمی ندارند، و آنچه در دنیا انجام

می دهند ضایع و هدر می رود، و کارهای شان باطل و بی سود می گردد.»
به این معنی در قرآن کریم آیات زیادی آمده است.

مسئله چهارم: حاکم گردانیدن غیر شریعت اسلامی: [حکم و فیصله کردن به غیر شریعت اسلامی]

قرآن کریم صراحتاً بیان نموده است که حاکم گردانیدن غیر شریعت اسلامی کفر صریح و آشکار و شرک ورزیدن به الله عزوجل است.

هنگامی که شیطان در دل های کفار مکه و سوسه انداخت تا از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد حیوانات خود مرده سؤال کنند که آنها را چه کسی می رانده است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب فرمودند: «الله قتلها» یعنی آنها [حیوان] را الله عزوجل می رانده است. سپس باری دیگری شیطان به آنها القاء کرد که به پیامبر صلی الله علیه و آله بگویند: آنچه که شما بدست هایتان ذبح می کنید حلال است و آنچه را که الله تعالی بدست مبارکش ذبح می کند او حرام است؟ پس شما [العیاذ بالله] از خدا بهتر اید، همان بود که الله عزوجل آیه ذیل را فرو فرستاد: ﴿وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَدِّدَ لَكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۱].
«یقیناً شیطان ها به سوی دوستان خویش و سوسه القاء می کنند تا با شما خصومت کنند و اگر فرمانبرداری ایشان را کنید بدون تردید شما هم مشرک هستید.»

و داخل نشدن [فاء جزائیه] بر جمله: ﴿إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾ قرینه و دلیل ظاهر است به مقدر بودن لام قسم یعنی الله متعال در این آیه کریمه سوگند یاد کرده هر کسی که شیطان را در قانون گذاری و در حلال شمردن میتة [خود مرده] اطاعت و فرمان برداری کند او مشرک است، و این شرک اکبر است که صاحبش را به اجماع و اتفاق مسلمان ها از ملت اسلام خارج ساخته و در روز قیامت چنین شخص را الله عزوجل جزای مناسب می دهد.

۱- ابوداود کتاب الأضاحی ح [۲۸۱۸] و ترمذی کتاب التفسیر ح [۳۰۶۹] و نسائی کتاب الضحایح ح [۴۴۳۷].

چنانکه الله ﷻ می فرماید: ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَىٰءَ آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿۶۰﴾ وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿۶۱﴾﴾ [یس: ۶۰-۶۱].

«ای فرزندان آدم! آیا به سوی شما حکم نفرستاده بودم که شیطان را پرستش نکنید، یقیناً او برای شما دشمن آشکار است * و- آیا به شما دستور نداده بودم- که مرا پرستش کنید این راه راست است»^۱.

و نیز در مورد خلیلش ابراهیم علیه السلام می فرماید: ﴿يَتَّابِتْ لَّا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿۴۴﴾﴾ [مریم: ۴۴].

«پدر جان! شیطان را عبادت مکن، هر آینه شیطان عصیانگر خدای رحمن است». یعنی در قانون گذاری و در تجویز کفر و نافرمانی الله ﷻ از شیطان پیروی مکن.

و نیز می فرماید: ﴿إِنْ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا ﴿۱۱۷﴾﴾ [النساء: ۱۱۷].

«مشرکان به جای خدا جز بت های مادینه را نمی پرستند، و نمی پرستند مگر شیطان متمرّد و سرکش را». یعنی مقصود از پرستش و پیروی شیطان: اطاعت و فرمانبرداری از وی در قانون گذاری و در تحلیل و تحریم است. و نیز خداوند جل جلاله می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُرْدُوهُمْ﴾ [الأنعام: ۱۳۷].

«و اینگونه شرکای ایشان در نظر بسیاری از آنان قتل اولادشان را آراسته کرده است تا آنان را هلاک کنند». در این آیت الله جل جلاله معبود و پیشوایان مشرکین را بنام شرکاء [یعنی شریک]

۱- باید دانست که یکی از مقتضیات ایمان به الله تعالی و عبادت او تعالی، منقاد شدن و گردن نهادن به حکم وی، و خشنودی و رضا به شریعتش و رجوع به کتابش و سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله در وقت وقوع اختلاف در اقوال و دعواها و کشمکش هایی که بر سر خون ها و معاملات صورت می گیرد می باشد، زیرا حکم و فرمان از آن ذات واحد لاشریک است، پس بر فرمانروایان و حاکمان واجب است که احکام خدا را نافذ و تطبیق کنند و بر رعیت واجب است در همه معاملات به قرآن و سنت رجوع کنند. کتاب التوحید صالح الفوزان

یاد کرده است بخاطری که مشرک‌ها در اثر اطاعت و پیروی از آنها — اولادشان را [مخصوصاً دخترها را] کشته و از حکم الله ﷻ مخالفت و سرکشی کرده‌اند.

زمانی که عدی بن حاتم رضی الله عنه به اسلام مشرف شد [قبلاً مسیحی بود] آیه ذیل را از پیامبر صلی الله علیه و آله شنید: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ﴾ [التوبة: ۳۱]. «آنها [اهل کتاب] پیشوایان مذهبی [علماء] و درویشان [زاهدان] شان را به جای خدا به پروردگاری و ربوبیت گرفته‌اند». [عدی بن حاتم رضی الله عنه فرمود: ما که آنها را عبادت نمی‌کردیم!] پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا اینچنین نبود که آنها نعمات حلال خداوند را حرام قرار می‌دادند و شما نیز آنرا حرام می‌پنداشتید، به همین ترتیب آنها چیزی حرام را حلال قرار می‌دادند و شما هم قبول می‌کردید؟ عدی رضی الله عنه فرمود: آری این حقیقت است، ما آنگونه می‌کردیم^۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: همین کار شما عبادت و پرستش آنان بوده است^۲. و در این مسئله هیچ شک نیست که اهل کتاب در قانون‌گذاری و حلال و حرام قرار دادن، از پیشوایان مذهبی و علمای شان اطاعت و پیروی می‌کردند، چنانکه خداوند جل جلاله می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِن قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهِ ۗ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۶۰].

«ای پیامبر! آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند آنچه به سوی تو نازل کرده شده و به آنچه پیش از تو نازل کرده شده ایمان آورده‌اند می‌خواهند که داوری خویش را به سوی طاغوت ببرند؟ حال آنکه به ایشان فرمان داده شده است که بدان کفر ورزند و شیطان می‌خواهد که ایشان را به گمراهی دور و درازی بکشاند». [دور از راه حق و حقیقت].

و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [المائدة: ۴۴].

۱- یعنی عبادت صرف این نیست که به آنها رکوع و سجده صورت گیرد، بلکه قبول کردن امر و حکم کسی در مقابل حکم الله و رسول عبادت اوست.

۲- ترمذی کتاب تفسیر القرآن شماره حدیث [۳۰۹۵]

«و هر که حکم نکند به آنچه الله متعال نازل کرده است، پس ایشان خود کافرانند». و همچنین می‌فرماید: ﴿أَفَعَيِّرَ اللَّهُ أَتَّبِعِي حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ [الأنعام: ۱۱۴].

«بگو: [ای پیامبر] آیا داوری و فیصله کننده به جز خدا طلب کنم؟ با اینکه اوست که این کتاب را به سوی شما واضح شده فرو فرستاد، و کسانی که ایشان را کتاب داده‌ایم - اهل کتاب - می‌دانند که قرآن از جانب پروردگار تو براستی فرو فرستاده شده است پس از تردید کننده‌گان مباش.»

و نیز خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [المائدة: ۵۰].

«آیا خواستار حکم جاهلیت‌اند؟ برای قومی که یقین دارند داوری چه کسی از الله بهتر است؟»

مسئله پنجم: احوال جامعه

یقیناً قرآن کریم با تعالیم روشن و زلال خود هر نوع نیازمندی و تشنگی جامعه را رفع نموده، و راه کامیابی را برای مردم واضح و روشن ساخته است. اسلام مسؤول و زمامدار بزرگ را دستور می‌دهد تا در برابر رعیت و افراد جامعه برخورد خوب و نرم داشته باشد، چنانکه الله ﷻ می‌فرماید:

﴿وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۵].

«و برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بال خود را فرو گستر». (گرامی‌شان بدار و از آنان درگذر). و همچنین می‌فرماید:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ [آل عمران: ۱۵۹].

«پس بسبب رحمت و مهربانی از جانب الله ﷺ برای ایشان نرم شدی و اگر درشت خوی و سخت دل می‌بودی از دور و بر تو پراگنده می‌شدند پس از ایشان درگذر و بر ایشان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت کن».

و همچنین رعیت و افراد جامعه را دستور داده است که از اطاعت حکام و مسئولین امور مسلمان‌ها دست نکشند. الله ﷺ می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ [النساء: ۵۹].

«ای مؤمنان! الله را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید و مسئولین اموری را که از خود شما هستند اطاعت کنید». همچنین خداوند رئیس خانواده را در برابر زن و فرزندان‌ش مسئول قرار داده و او را دستور می‌دهد که مسئولیت خود را در قبال آنها اداء نماید. چنانکه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [التحریم: ۶]. «ای مؤمنان خویشتن و اهل خانه خود را از آتش و دوزخی نگهدارید که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است بر آن آتش فرشتگان درشت خوی سختگیر گمارده شده‌اند، از الله ﷺ در آنچه دستورشان داده‌است نافرمانی نمی‌کنند، و هر چه به آنان فرمان داده می‌شود انجام می‌دهند».

و همچنین شما ببینید که قرآن کریم چگونه انسان را در مورد جامعه کوچک [خانواده] متوجه نموده و آنرا به احتیاط و هوشیاری متوجه می‌سازد و دستور می‌دهد که بعد از سعی و تلاش در مورد تربیب و اصلاح آنها، اگر به کاری نا مناسبی مطلع شود باید عفو و درگذری را پیشه کند. چنانکه خداوند ﷺ می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَوْا وَتَصَفَحُوا وَتَغَفَرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [التغابن: ۱۴].

«ای مؤمنان! در حقیقت بعضی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شما اند، پس از ایشان حذر کنید و اگر عفو کنید و درگذرید و بیامرزید پس هر آینه خدا آمرزگار مهربان است». و

همچنان افراد جامعه را دستور می‌دهد که با یکدیگر معامله و برخورد خوب و اخلاق نیک داشته باشند. چنانکه الله ﷻ می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۹۰﴾ [النحل: ۹۰].

«یقیناً خداوند به عدل و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان امر می‌کند، و از بی‌حیائی و کار نا پسند و تجاوز باز می‌دارد، به شما پند می‌دهد تا باشد که پند گیرید.»

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا﴾ [الحجرات: ۱۲]. «ای مؤمنان! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید هر آینه بعضی از گمان‌ها گناه است و تجسس نکنید و بعضی از شما بعضی دیگر را غیبت نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را باشد بخورد؟»

و همچنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَبِ بِنِسِّ الْأَسْمِ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۱۱﴾ [الحجرات: ۱۱].

«ای مسلمانان! نباید قومی قوم دیگری را به ریشخند کند شاید آنها از ایشان بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را به تمسخر گیرند شاید که آنان از ایشان بهتر باشند، و در میان خویش عیب‌جویی نکنید و همدیگر را به لقب‌های بد نخوانید، چه ناپسندیده است فسوق بعد از ایمان، و هر که توبه نکرد پس آن گروه ایشانند ستم‌گاران.»

و همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ [المائدة: ۲]. «و یکدیگر را بر نیکوکاری و پرهیزگاری مدد کنید، و بر گناه و ستم با یکدیگر همکاری نکنید»^۱. و این یک امر طبیعی است کسی که در میان جامعه و توده

۱- از آیات مذکور واضح می‌گردد که همه انسان‌ها در آفرینش‌شان از یک اصل و جوهر اند، و کسی بر دیگری برتری و فضیلتی ندارد مگر به تقوا، و همه با هم برادر اند، پس باید به کمک و همکاری یکدیگر پردازند.

انسان‌ها زندگی می‌کند از دشمنی و اذیت دشمنان انسی و جنی سالم نمی‌ماند، طوری که شاعر می‌گوید:

ليس يخلو المرء من ضد ولو حاول العزلة في رأس الجبل
 «هیچ انسان از مخالفت دشمن سالم نمی‌ماند، اگر چه سعی نماید که بر فراز کوه تنها زندگی کند». و چون هر فرد از افراد بشر به معالجه این مرض و فاجعه بزرگ نیاز دارد از این جهت الله ﷻ علاج این مرض را در سه موضع بیان نموده که علاج و دوی دشمنی و عداوت انسان‌ها همانا اعراض و چشم‌پوشی از اذیت جانب مقابل و همواره احسان و نیکی کردن به وی است. و اما علاج وسوسه شیطان جنی پناه بردن به الله ﷻ از شرش می‌باشد.

موضع اول: الله ﷻ می‌فرماید: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿١٩٩﴾﴾ [الأعراف: ۱۹۹].

«عفو را پیشه کن و به کار پسندیده و نیک دستور بده، و از نادانان روی بگردان».
 و در مورد شیطان جنی می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾﴾ [الأعراف: ۲۰۰].

«و اگر از شیطان وسوسه به تو رسد به خدا پناه بر زیرا که او شنوای داناست».
 موضع دوم: خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ﴿٩٦﴾﴾ [المؤمنون: ۹۶].

«بدی را به شیوه که نیکوتر است دفع کن، ما به آنچه وصف می‌کنند داناتریم».
 و همچنین الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾﴾ [المؤمنون: ۹۷-۹۸].

«و بگو [ای محمد] پروردگارا! من از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌برم * و ای پروردگرم از این که پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم».

موضع سوم: خداوند جَلَّ جَلَلُهُ با صراحت تام بیان داشته است که این علاج آسمانی تمام آن وسوسه‌ها و بیماری‌های شیطانی را از بیخ و بن قطع می‌کند، ولی این علاج ربانی برای همه انسان‌ها میسر نخواهد شد، بلکه برای آنانی داده خواهد شد که [از صفت صبر و شکیبائی برخوردار بوده] و صاحبان مقام رفیع و نصیب بزرگ نزد خدا جَلَّ جَلَلُهُ هستند. چنانکه الله جَلَّ جَلَلُهُ می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿۳۴﴾ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿۳۵﴾ [فصلت: ۳۴-۳۵].

«نیکی و بدی یکسان نیست، (بدی بدکار را) به شیوه‌ای که آن بهتر است دفع کن بناگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوست صمیمی است،* به این خوی و شیوه نایل نمی‌شود مگر کسانی که دارای صبر و استقامت باشند، و بدان نمی‌رسد مگر کسانی که بهره بزرگی (از خیر و کسب سعادت) داشته باشند».

و در جاهای متعددی قرآن کریم بیان نموده است که این نرمش و فروتنی مخصوص برای مسلمان‌ها می‌باشد نه برای کافران، چنانکه الله جَلَّ جَلَلُهُ می‌فرماید: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۵۴﴾ [المائدة: ۵۴].

«پس به زودی خداوند قومی را به عرصه می‌آورد که ایشان را دوست می‌دارد و آنان هم خدا را دوست می‌دارند، بر مؤمنان متواضع اند و بر کافران درشت خوی‌اند.»
و نیز الله جَلَّ جَلَلُهُ می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ﴿۲۹﴾ [الفتح: ۲۹].

«محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیامبر خداست و آنانی که با اویند بر کافران سخت‌گیر، در میان خود مهربان‌اند.»
[نباید در همه احوال از سختی و یا از نرمی کار گرفت، زیرا برای هر یکی موقع مناسبی است] سخت‌گیری در جای نرمی حماقت و سبک مغزیست، و نرمی در محل سختی ناتوانی و تنبلیست، طوری که شاعر گفته:

إذا قيل حلم قل فلهلحلم موضع وحلم الفتى في غير موضعه جهل

«چون از بردباری سخن بزنند بگو که برای بردباری جای خاصی است، و بردباری و تحمل پذیری جوان در غیر محلش نادانی است».

مسئله ششم: مسئله اقتصاد

قرآن کریم اصول و قواعدی که مشتمل بر همه فروع و جزئیات اقتصاد است به خوبی بیان داشته است، و جمله مسائل اقتصاد زیر دو اصل و قاعده بزرگ داخل است:-

۱- دقت نظر و سنجش در کسب کردن مال.

۲- حسن تصرف و اندیشه صحیح در خرج نمودن اموال در جاهای مشروع و برای مستحقین آن.

شما ببینید که الله ﷻ چگونه طریق و راههای کسب مال را در روشنی اسباب و وسائلی که موافق با موازین اخلاق و کرامت انسانی و شریعت اسلام است باز نموده است، چنانکه می فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۰﴾ [الجمعة: ۱۰].

«و چون نماز گزارده شد متفرق در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا طلب کنید، و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید».

و نیز الله ﷻ می فرماید: ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ﴾ [البقرة: ۱۹۸].

«بر شما گناهی نیست که در طلب روزی پروردگار خویش برآید».

الله ﷻ در انفاق و خرج کردن مال به اعتدال و میانه روی امر نموده است، چنانکه می فرماید: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿۲۹﴾ [الإسراء: ۲۹].

«و دست خود را بر گردن خویش نبند [یعنی از کمک به دیگران خود داری مکن و بخیل مباش] و بسیار هم گشاده دستی نکن [یعنی بذل و بخشش بی حساب مکن و اسراف مورز] که آنگاه ملامت شده و حسرت زده بر جای بنشینی».

و نیز خداوند ﷻ می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ [الفرقان: ۶۷].

«و (بندگان رحمن) کسانی اند که چون انفاق کنند، نه اسراف می کنند، و نه بخل می ورزند، و شیوه شان در میان این دو حد (یعنی اسراف و بخل) وسط است. (میان روی و اعتدال را رعایت می کنند)».

و از مصرف نمودن اموال در راه حرام منع کرده می فرماید: ﴿فَسَيَنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ﴾ [الأنفال: ۳۶].

«پس زود باشد که آنرا خرج کنند، باز- فرجام- آن خرج کردن حسرتی برای شان باشد، سپس مغلوب می شوند».

مسئله هفتم: سیاست

قرآن کریم اصول و قواعد سیاست را نیز بیان نموده است، و صورت های بارز آن را را روشن ساخته، و راه های آن را واضح نموده است.

کلمه سیاست مصدر - ساس یسوس - بمعنای تدبیر و تنظیم امور دولت است که به دو بخش تقسیم می شود:

۱- سیاست خارجی.

۲- سیاست داخلی.

اما امور سیاست خارجی بر دو اصل و اساس استوار است:

اصل اول: ایجاد یک قوت و نیروی کافی و بسنده برای نابود ساختن دشمن تجاوزگر، چنانکه خداوند ﷻ می فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطٍ

الْحَيَلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ ﴿[الأنفال: ۶۰].

«و - ای مسلمانان در مبارزه- هر چه در توان دارید برای آنان از قوه مهیا سازید و از اسپان آماده سازید تا با این -آمادگی‌ها- دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید».

اصل دوم: تلاش در راه وحدت و یک‌پارچگی امت اسلامی بشکل درست و فراگیر، تا در اطراف این نیرو گرد آیند، چنانکه الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ [آل‌عمران: ۱۰۳].

«و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید، و پراکنده مشوید».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنَزَعُوا فِتْفَشْلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ [الأنفال: ۴۶].

«و با یکدیگر اختلاف نکنید که در این صورت سست و بزدل می‌شوید و شأن و شوکت‌تان از بین می‌رود».

و همچنین قرآن کریم مسائل صلح و آشتی با کفار، و وفا به عهد و پیمان‌شان را در وقت ضرورت بیان داشته است، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: ۴].

«مگر آن مشرکانی که با آنان پیمان بسته‌اید و چیزی از تعهدات خود را نسبت به شما فروگذار نکرده‌اند- نقض نکرده‌اند و علیه شما هیچ کسی را یاری نداده‌اند پس پیمان ایشان را- تا پایان مدت زمانی که تعیین کرده‌اند- تمام کنید، چرا که خداوند پرهیزگاران را دوست می‌دارد».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِبِينَ﴾ [الأنفال: ۵۸].

«و اگر از گروهی بیم خیانت داری پس به‌سوی آنان - عهد ایشان را - به طور برابر باز گردان».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَأَذِّنْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾ [التوبة: ۳].

«این اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به همه مردم در روز حج اکبر^۱ که خدا، و پیامبرش نیز از مشرکان بیزار اند.»

و همچنین الله ﷻ مسلمانان را دستور داده‌است که از مکر و حيلة کفار بر حذر و محتاط باشند [زیرا آنها استفاده‌جو و همیشه در انتظار فرصت‌ها می‌باشند تا بر مسلمان‌ها خساره و ضربه وارد کنند] چنانکه الله ﷻ می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ اَنْفِرُوا جَمِيعًا﴾ [النساء: ۷۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید - در برابر دشمن - بر حذر باشید - و برای مقابله با دشمن بپاخیزید - پس رهسپار شوید، دسته دسته بیرون روید یا بطور دسته جمعی - بسوی جنگ روید.»

و نیز می‌فرماید: ﴿وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً﴾ [النساء: ۱۰۲].

«و باید که بگیرند احتیاط خود را و اسلحه خود را بگیرند، کافران دوست دارند که از اسلحه و ساز و برگ خویش غافل شوید پس بر شما یکباره حمله کنند.»

و اما سیاست داخلی: به نکات ذیل خلاصه می‌شود:

ایجاد و گسترش امنیت، برقراری، ثبات و اطمینان در جامعه، و رفع ظلم و بی‌انصافی از رعیت، و رسانیدن حقوق به مستحقین.

سیاست داخلی بر شش اصول و قواعد بزرگ استوار است:

۱- مراد از حج اکبر روز عید قربان است که اکثر اعمال حج در این روز انجام می‌گردد، نه اینکه روز عرفه، طوری که اکثر عوام الناس گمان دارند که اگر روز عرفه و جمعه در یک روز جمع شود، حج اکبر است. این آیه یک سال قبل از حج پیامبر ﷺ نازل شده است «مترجم».

اول: حفظ دین: که شریعت به حفظ و نگهداری آن امر نموده است «و از جمله مسؤولیت‌های حکومت اسلامی است. بلکه در رأس اولویت‌های حکومت اسلامی قرار دارد». پیامبر گرامی ﷺ می‌فرماید: «مَنْ بَدَّلَ دِينَهُ فَاقْتُلُوهُ»^۱.

«کسی که دین خود را ترک بکند پس او را بکشید». و کشتن مرتد مانع قوی و نکوهش شدیدی است برای دیگران از تبدیلی و ترک دین اسلام.

دوم: حفظ نفس: بخاطر صیانت و حفاظت نفس‌ها، الله ﷻ در قرآن کریم قصاص را مشروع قرار داده است. طوری که می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۷۹﴾ [البقرة: ۱۷۹]». «وای خردمندان! برای شما در قصاص [مایه] زندگانی است باشد که به تقوا روی آورید».

و نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ ﴿۱۷۸﴾ [البقرة: ۱۷۸]».

«ای مسلمانان! بر شما در مورد کشتگان قصاص مقرر شده است».

و همچنین الله ﷻ می‌فرماید: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا ﴿۳۳﴾ [الإسراء: ۳۳]».

«و هر که به ستم کشته شود پس بی‌گمان وارث وی را سلطه‌ای داده‌ایم».

سوم: حفظ عقل: الله ﷻ در قرآن مجید به حفظ و نگهبانی عقل تأکید ورزیده [بخاطر صیانت و حفاظت عقل تناول و نوشیدن مواد مخدره و هر چیزی نشه‌آور را حرام قرار داده‌است] و بخاطر حفظ عقل، بر نوشنده چیزهای نشه‌آور، حد (عقوبت) را واجب قرار داده‌است.

چنانکه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطٰنِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۹۰﴾ [المائدة: ۹۰]».

۱- بخاری شماره حدیث [۳۰۱۷]

«ای مسلمانان! جز این نیست که شراب و قمار و معبودان باطل و تیرهای قرعه (فال) پلید است و از کردار شیطان است، پس از آن دوری کنید باشد که رستگار شوید».

و پیامبر بزرگوار اسلام محمد ﷺ فرموده‌اند: «كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ»^۱.

«هر نشه‌آور- مست کننده- حرام است، آنچه که مقدار زیادش نشه آورد پس مقدار کمش نیز حرام است».

چهارم: صیانت نسب [نسل‌ها]

بخاطر صیانت و سالم بودن نسب و نسل انسان‌ها الله ﷻ حدّ زنا را مشروع قرار داده‌است. چنانکه می‌فرماید: ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ﴾ [النور: ۲].

«زن زنا کننده و مرد زنا کننده هر یکی از ایشان را صد درّه [شلاق] بزنید».

پنجم: حفظ آبرو

بخاطر حفظ و مصونیت آبرو و عزت انسان، الله ﷻ در حق تهمت زننده هشتاد درّه را مشروع قرار داده‌است. چنانکه می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً﴾ [النور: ۴].

«و کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می‌دهند سپس چهار گواه [بر صدق ادعای خود] نمی‌آورند، بدیشان هشتاد درّه [تازیانه] بزنید».

ششم: حفظ اموال

برای حفظ و صیانت اموال مسلمین، الله ﷻ قطع [بریدن] دست دزد را [هنگام متحقق شدن شرایط دزدی] مشروع گردانیده است. چنانکه می‌فرماید: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ

۱- ابن ماجه شماره حدیث [۳۳۹۲] جزء اول حدیث را بخاری در کتاب المغازی باب بعثت ابي موسى ومعاذ إلى اليمن قبل حجة الوداع (۵ / ۱۰۸) و مسلم حدیث شماره (۲۰۰۱) روایت کرده اند.

فَأَقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۳۸﴾ [المائدة: ۳۸].

«و مرد دزد و زن دزد؛ دست‌هایشان را ببرید به کیفر آنچه کرده‌اند،- این مجازات عبرت‌انگیز- از طرف خدا است،- پس بر آن اندوهگین نباشید- و خداوند غالب دانا [با حکمت] است.»

پس از آیات مذکور واضح و آشکارا گردید که فرمان برداری و پیروی از احکام قرآن ضامن تمامی سعادت‌ها و مصالح و منافع داخلی و خارجی برای مجتمع اسلامی است.

مسئله هشتم: سیطره کفار بر مسلمان‌ها

چون صحابه کرام در جنگ احد به مصیبت رو برو شدند و این کار بر آنها دشوار و گران واقع شد، نزد پیامبر ﷺ این سؤال را مطرح کردند که یا رسول الله چگونه قوم مشرک و کافر بر ما مسلط شد در حالی که ما بر حق و آنها بر باطل‌اند؟ پس الله ﷻ به سؤال صحابه کرام پاسخ و فتوای آسمانی^۱ فرود آورد که تمام شبهات و استفسامات را از اذهان آنان زائل نمود. خداوند ﷻ در این مورد می‌فرماید: ﴿أَوْلَمَّا أَصَبْتَكُمْ مُصِيبَةً قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْتُمْ أِنِّي هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ﴾ [آل عمران: ۱۶۵].

«آیا هنگامی که به شما مصیبتی رسید که دو برابر آن را- در روز بدر بر دشمن- وارد آورده بودید، گفتید این از کجاست؟ بگو: آن - شکست - از نزد خودتان است.»

این مطلب را آیه دیگر بیشتر توضیح می‌دهد، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُونَهُمْ بِأَذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّن بَعْدِ مَا أَرْبَبَكُم مَّا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ط وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۵۶﴾﴾ [آل عمران: ۱۲۵].

«و هر آینه راست کرد خدا در حق شما وعده خود را، آنگاه به حکم خدا کافران را می‌کشتید، تا وقتی که سست شدید و در امر- پیامبر- با یکدیگر به نزاع پرداختید، و نافرمانی

۱- این اثر را ابن ابی حاتم در تفسیر خود از حسن بصری روایت کرده است.

کردید بعد از آنکه عطا نمود به شما آنچه می‌خواستید، برخی از شما دنیا را می‌خواست و برخی از شما آخرت را می‌خواست، آنگاه شما را از ایشان باز گردانید تا شما را امتحان کند.»

الله ﷻ در این فتوای آسمانی بیان نموده که یقیناً انگیزه پیروزی و سیطره کفار بر شما از طرف خود شما بوده که بسبب هراس و اختلاف‌تان در ترک سنگر و نافرمانی بعضی شما از امر پیامبر ﷺ و حرص و رغبت شما در متاع ناچیز دنیا بود. یعنی آن عده تیر اندازانی که بر تپه «رما» بودند؛ وظیفه‌شان منع یورش کفار از پشت سر بر مسلمان‌ها بود، چون مشرکان در ابتدای جنگ شکست خورده فرار نمودند آنها سنگر را ترک کرده بخاطر مشارکت در جمع مال غنیمت پائین آمدند^۱ [مشرکان از عقب تپه عین که فعلاً بنام جبل رما مشهور است بر مسلمان‌ها یورش آوردند، و در نتیجه نافرمانی امر پیامبر ﷺ هفتاد تن از صحابه شهید شدند که از جمله سید الشهداء حمزه عموی پیامبر ﷺ است].

مسئله نهم: ناتوانی مسلمان‌ها در مقابله با کفار از لحاظ تعداد و آلات جنگی

الله ﷻ علاج و حل این معضله را بصورت واضح بیان نموده است که همانا صدق و اخلاص است. اگر الله ﷻ از بنده‌هایش اخلاص و صدق را ببیند، البته آنها را نصرت بخشیده در نتیجه دشمنان قوی و نیرومند را مقهور و مغلوب خواهند ساخت، و چون یاران پیامبر ﷺ هنگامی که در موقع بیعة الرضوان از خود اخلاص و صداقت نشان دادند، در نتیجه این اخلاص، الله متعال آنها را ستود و برای‌شان نصرت و پیروزی را وعده داد. چنانکه می‌فرماید: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾ [الفتح: ۱۸].

«یقیناً خداوند از مؤمنان راضی گردید هنگامی که در زیر درخت با تو بیعت می‌کردند، و خداوند دانست آنچه را که در دل‌هایشان [از صداقت و ایمان و اخلاص و وفاداری به اسلام]

۱- بخاری در کتاب الجهاد باب ما یکره من التنازع والإختلاط فی الحرب وعقوبة من عصی (۴/ ۲۶) از براء بن عازب روایت کرده است.

نهفته بود، لذا اطمینان خاطر بر دل‌هایشان فرود آورد، و فتح نزدیکی به آنان پاداش داد.»
و همچنین خداوند ﷻ فرمود: ﴿وَأَخْرَىٰ لِمَ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا﴾
[الفتح: ۲۱]. «و فتوحات دیگری نیز وعده داده که هنوز به آنها دست نیافته‌اید.»

در آیه مذکور خداوند ﷻ به کمال وضاحت بیان داشته که آنها به این غنائم قادر نبودند و لکن فضل و رحمت خداوند متعال است که برای‌شان نیرو و قدرت بخشید و آنها را در مواقع مختلف به اخذ غنائم قادر و فائز گردانید، و این همانا نتیجه اخلاص و صداقت آنها بود؛ زیرا الله متعال از دل‌های آنان آگاه بود.

همچنان کفار در غزوه احزاب مسلمان‌ها را از همه جوانب محاصره شدیدی کردند طوری که خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿إِذْ جَاءَكُمْ مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا﴾ [الاحزاب: ۱۰].

«[بیاد آرید] زمانی که دشمنان از فرازتان و پائین‌تان به سراغ شما آمدند [و مدینه را محاصره کردند] و زمانی را که چشم‌ها [از شدت دهشت] برگشت و دل‌ها به گلوگاه رسید و نسبت به خداوند گمان‌های می‌کردید.» و یگانه راه نجات از این کمزوری و ناتوانی و محاصره، همانا اخلاص، صداقت و قوت ایمان به الله تعالی بود که در آیه ذیل خداوند یاد آور شده است: ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾ [الاحزاب: ۲۲].

«و چون مسلمانان لشکر کافران را دیدند گفتند: این است آنچه خدا و پیامبرش به ما وعده داده بودند، و خدا و رسول او راست گفتند و این - ماجرا - در حق ایشان نیفزود مگر ایمان و گردن نهادن را.»

نتایج صداقت و اخلاص را الله ﷻ در آیه ذیل نیز ذکر نموده است چنانکه می‌فرماید: ﴿وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ﴿۱۵﴾ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَلَمُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صِيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿۱۶﴾ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَّوּهُا

وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٧﴾ [الأحزاب: ۲۵-۲۷].

«و خداوند کافران را به خشم باز گردانید هیچ خیر و منفعتی نیافتند، و خداوند مسلمانان را در کار جنگ کفایت کرد، و خداوند توانای غالب است * و آنانیکه این لشکرها را مدد کرده بودند از اهل کتاب از قلعه‌هایشان فرود آورد [بنی قریظه] و در دل‌های ایشان خوف افگند طائفه را می‌کشتید و طائفه را اسیر می‌گرفتید و عاقبت کار: زمین ایشان و خانه‌های ایشان و مال‌های ایشان را به شما داد و نیز عاقبت کار: زمینی را به شما داد که بدان پای نهاده بودید، خداوند بر همه چیز تواناست.»

و این نصرت و تأیید خداوندی عبارت از نزول فرشتگان و وزیدن باد تند است و این چیزی بود که مسلمان‌ها در مورد آن یقین داشتند. خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾ [الأحزاب: ۹].

«ای مسلمانان نعمت خدا را بر خویش یاد آرید وقتی که به سوی شما لشکرها آمدند، پس بر سرشان تندبادی و لشکرهای که آنها را نمی‌دیدید فرستادیم، و خداوند به آنچه می‌کردید بینا بود.»

آنچه که گذشت از جمله دلایل و براهین واضحی است که بر صحت و بر حق بودن دین اسلام دلالت می‌کند که اگر گروه کم و ضعیف ولی متمسک و پایبند به دین اسلام باشد، بر گروه بزرگ و قوی کافران غالب خواهد شد. چنانکه خداوند فرموده: ﴿كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [البقرة: ۲۴۹].

«بسا گروه اندک غالب شد بر گروه بسیار به اراده خدا، و خداوند با شکیبایان است.»

از این جهت، الله ﷻ جنگ بدر را که بر صحت و حقانیت دین اسلام دلالت داشت در آیات ذیل نشانه و حجت آشکار و [فرقان] یعنی فرق‌کننده میان حق و باطل نامیده است، چنانکه می‌فرماید: ﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ ءَايَةٌ فِي فِئَتَيْنِ اللَّتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ﴾ [أل عمران: ۱۳].

«به تحقیق برای شما نشانه در دو قومی است که [در میدان جنگ بدر] با هم روبرو شدند دسته در راه خدا می‌جنگید [برای اعلاء کلمه الله و انتشار دین حق می‌رزمید] و دسته دیگر کافر بود [در راه شیطان وهواء وهوس نبرد می‌کرد]».

و نیز می‌فرماید: ﴿إِنْ كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقِيٰ أَلْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الأنفال: ۴۱].

«اگر ایمان آورده‌اید به خدا و به آنچه بر بنده خود نازل کردیم در روزی^۱ که جدا شد حق از باطل، روزی که آن دو گروه [مؤمنان و کافران] با هم رو یاروی شدند [و با هم جنگیدند] و الله ﷻ بر هر چیز توانا است».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْتَةِ وَيْحِي مَنْ حَىٰ عَن بَيْتَةِ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [الأنفال: ۴۲].

«تا هلاک گردد کسی که هلاک شدنی است بعد از قیام حجت، و زنده بماند کسی که زنده ماندنی است بعد از قیام حجت، بی‌گمان الله شنوای داناست».

مراد روز بدر است طوری که نظریه برخی از محققان است.

بدون تردید که غلبه و پیروزی دسته کم و ضعیفی مؤمنان بر جمعی کثیر و قوی کافران دلیلی آشکار به بر حق بودن آنها بوده و مددگار ایشان یقیناً الله ﷻ است. چنانکه خداوند پیرامون این مطلب را از واقعه جنگ بدر حکایت می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِيَدِرٍ وَأَنْتُمْ أَدْلَىٰ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۲۳].

«و یقیناً خداوند شما را در بدر یاری کرد در حالی که شما ناتوان بودید پس از خدا بترسید باشد که شکرگزاری کنید».

و آن گروهی از مسلمانان که الله ﷻ به آنها وعده نصرت و پیروزی داده بود، صفات ایشان را در آیات ذیل بیان نموده و توسط این اوصاف آنها را از دیگران ممتاز و جدا

۱- مراد روز بدر است که در سال دوم هجری در هفدهم ماه مبارک رمضان بوقوع پیوست.

ساخته است، طوری که می‌فرماید: ﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [الحج: ۴۰].

«و قطعاً خدا کسی را که قصد نصرت وی کند نصرت می‌دهد زیرا خداوند سخت قوی و غالب است».

و همچنین می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ إِذَا مَكَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَخَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ [الحج: ۴۱].

«آن مؤمنانی که خدا برای شان وعده یاری و پیروزی داده است کسانی هستند که هر گاه در زمین ایشان را قدرت بخشیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و امر به معروف، و نهی از منکر می‌نمایند و سرانجام همه کارها به سوی خدا بر می‌گردد»^۱.

راه‌های نجات از ناتوانی و ضعف مسلمان‌ها در مقابل کفار که قبلاً به آن اشاره شد یگانه راه حل در مقابل محاصرهٔ عسکری دشمن است، اما در مورد نجات از محاصره و تحریم‌های اقتصادی دشمن علیه امت اسلامی، خداوند در سورهٔ المنافقین به آن اشاره نموده می‌فرماید: ﴿هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خِزَانُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنْفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾ [المنافقین: ۷].

«آنان [منافقان] کسانی هستند که می‌گویند [یاران خود را]: بر آنانی که نزد رسول خدا هستند [یعنی فقرای مهاجرین] خرج نکنید تا پراکنده شوند- از پیرامون وی- و حال آنکه خزانه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و لیکن منافقان نمی‌فهمند».

و این راه و روش [یعنی تشویق و ترغیب مردم به انفاق نکردن به فقرای صحابه] که منافقان صدر اسلام خواستند علیه مسلمان‌ها بکار برند، عین تحریم اقتصادی است که در

۱- شاه ولی الله علیه السلام می‌نگارد: «در این آیت دلالت است بر صحت خلافت خلفای اربعه؛ زیرا که ایشان از مهاجرین اولین بودند، و متمکن شدند در زمین. پس لازم آید که اقامت صلاة و ایتاء زکاة و امر به معروف و نهی از منکر از ایشان بظهور رسد و تمکین فی الأرض چون به آن خصال جمع شود، همان است خلافت نبوت». فتح الرحمن بترجمة القرآن شاه ولی الله دهلوی، سوره حج آیه ۴۱. [مترجم]

عصر حاضر دشمنان اسلام بر ضد مسلمانان پیش می‌گیرند، الله ﷻ در آیه ذیل به حل آن اشاره نموده است که همانا نیروی ایمان و صداقت و رجوع به سوی الله ﷻ می‌باشد چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾ «گنجینه‌های آسمان و زمین از آن خدا است و لیکن منافقان نمی‌دانند». زیرا کسی که مالک خزانه‌های آسمان و زمین باشد، التجاء کنندگان و فرمانبرداران امر خویش را هیچ وقت ضایع و تنها نمی‌گزارد.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۖ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۚ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ [طلاق: ۲-۳]. «و هر که از خدا بترسد و پرهیزگاری کند، خداوند راه نجات و خلاصی را برای او فراهم می‌سازد، و به او از جایی روزی می‌دهد که هیچ تصور نمی‌کرد، هر کسی بر خداوند توکل کند خدا او را کافی است». و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۖ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۲۸]. «و اگر از فقر و تنگدستی می‌ترسید پس خداوند شما را از فضل خود اگر بخواهد توانگر خواهد ساخت هر آینه خداوند دانای حکیم است».

مسئله دهم: مشکل اختلاف دل‌ها

الله ﷻ در سوره حشر بیان کرده است که سبب اختلاف قلب‌ها نبودن عقل و کم‌خردی است. طوری که خداوند می‌فرماید: ﴿تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ [الحشر: ۱۴].

«ایشان را همه یکجا مجتمع شده می‌پنداری درحالی که دل‌های‌شان پراکنده است». سپس الله ﷻ علت این اختلاف را بیان نموده است: ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ یعنی: «این سبب آنست که -ایشان قومی بی‌شعور هستند».

علاج ضعف عقلی و کم‌خردی همانا در پیروی از نور وحی نهفته است. زیرا وحی [قرآن و سنت پیامبر ﷺ] به سوی مصالحی راهنمود می‌کند که عقل انسان‌ها از آن قاصر

است خداوند می فرماید: ﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۲۲﴾﴾ [الأنعام: ۱۲۲].

«آیا کسی که مرده بود و ما او را [با اعطای ایمان] زنده گردانیدیم و نوری به او بخشیدیم که با آن در میان مردم راه می رود همانند کسی است که صفتش این است که در تاریکی ها فرو رفته است و از آن تاریکی ها نمی تواند بیرون آید بدین سان برای کافران کار و کردارشان آراسته شده است.»

الله ﷻ در آیه مذکور این مطلب را واضح ساخت که نور ایمان [دل های زنگ زده را صیقل نموده] و ضمیرهای مرده را زنده ساخته و راه مستقیم را برایش روشن می سازد تا در پرتو آن راه برود. چنان که خداوند ﷻ می فرماید: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ [البقرة: ۲۵۷]. «الله یاور و کارساز مؤمنان است، آنان را از تاریکی ها به سوی نور [حق و اطمینان] بیرون می آورد.»

همچنین می فرماید: ﴿أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۲۲﴾﴾ [الملك: ۲۲]. «پس آیا آن کس که نگون سار راه می رود راهیاب تر است، یا کسی که ایستاده و درست در راه راست گام بر می دارد.»

خلاصه این بحث

به این ترتیب، تمامی مصالح و منافع انسان‌ها که نظام دنیا بر آن می‌چرخد، در سه بخش خلاصه می‌شود:

اول: دفع مفسد: یعنی: منع و دور نمودن مفسده‌ها و زیان‌های که در نزد علمای اصول فقه به نام ضروریات پنجگانه^۱ معروف است، ثمره و خلاصه آن همانا دفع کردن ضرر از شش اصولی که قبلاً [در بحث سیاست داخلی] ذکر نمودم، می‌باشد که عبارت‌اند: ۱- حفظ دین ۲- حفظ نفس ۳- حفظ عقل ۴- حفظ نسب ۵- حفظ آبرو و ارزش‌ها ۶- حفظ مال.

دوم: جلب مصالح: یعنی [فراهم ساختن و بدست آوردن منافع انسان‌ها] که نزد علماء بعنوان حاجیات معروف است که از جمله می‌توان بعضی فروع و مسائلی که در تحت حاجیات داخل است نام برد از قبیل: بیوع یعنی خرید و فروش و اجاره و عامه مصالح و [معاملات] مشترک و متبادل بین افراد و توده‌های جامعه بوجه مشروع.

سوم: آراسته بودن به مکارم اخلاق: یعنی مزین شدن به اخلاق ستوده و رفتار و عمل نمودن به عادات نیک و حسنه که مخالف با شریعت نباشد، که نزد علمای اصول بنام تحسینیات معروف است، و از جمله فروع و شاخه‌های جزویی که تحت این باب داخل می‌باشد از قرار ذیل‌اند:

۱- **خصلت‌های فطری:** همچو: گذاشتن ریش، و کوتاه کردن بروت (سبیل).

۲- **حرام دانستن چیزهای پلید و ناپاک:** [چیزهای که طبیعت انسان از آن نفرت می‌کند] و انفاق و خرچ کردن به خویشاوندان فقیر و بی‌مال. پس تمام مصالح و منافع بشر که در بالا ذکر شد به جز دین اسلام هیچ دین و آئینی دیگری در روی زمین

۱- مراد چیزی که از فوت آن مصالح و امور امت مختل شده و قوامش از بین می‌رود.

نمی‌تواند بطور درست و حکیمانه آنرا محقق ساخته و حفظ نماید چنانکه الله ﷻ می‌فرماید: ﴿الرَّ كِتَبٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ وَ تُمُّ فَصَلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾﴾ [هود: ۱]. «الراء، [این قرآن] کتاب بزرگواری است که آیه‌های آن [توسط الله ﷻ] منظم و محکم گردیده است [لذا هیچ‌گونه تناقض و خللی بدان راه ندارد] سپس به تفصیل (آیات آن) شرح و بیان شده است از جانب حکیمی آگاه»^۱.

۱- ترجمه این رساله «الإسلام دين كامل» نوشته شيخ محمد الأمين الشنقيطی: بتاريخ ۴ / ۷ / ۱۴۲۸هـ به پایان رسید. اللهم لك الحمد أولاً وآخراً، ولك الشكر على ما أنعمت به علينا، اللهم ارحمني واغفر لي ولوالدي ولأساتذتي ولكل من له حق علينا، وصلى الله وسلم وبارك على نبينا محمد وآله وأصحابه أجمعين ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين. آمين.